

متن پرسش

باسمه تعالی. سلام علیکم: استاد عزیز شاید بزرگترین مشکلی که کسی با ورود اولیه به دستگاه فکری شما داشته باشد تطبیق دادن عمل با عقیده است! با نظری که به خود واقعی ورای حجابها انداخته شود چند موضوع با راهنمایی شما در نزد خود وجدان می شود. ۱. آشتی با خدا ضروریست اما دور بودن از نفس اماره آزار خودش را دارد همانطور که یک مناجات شعبانیه «الهی هب لی کمال النقطاع الیک» می چسبد نگاه به شهوات دنیا هم مزه خودش را دارد و اتفاقاً تلخی زیادی هم حس نمی شود. روش سر بردن نفس چگونه است؟ ۲. در ده نکته یک وجود مجرد تکوینی در صحنه است و یک نفس ناطقه با نظرگاهی که خود را آنجا می یابد که هر دم به جایی است. نحوه تمرکز نظرگاه های نفس به حقایق بصورت پیوسته و نه منقطع و هرازگاه چگونه است؟ ۳. برهانی می گوید جز وجود نیست اما نفس راه نرفته کج بین آدم و شجر و مدر را می بیند چگونه دیدن و بودن با وجود را از دیدن نفس صاحب اختیار و وجود علمی و اعیان تفکیک کنیم؟ ۴. اگر دنیا عین حرکت است و حرکت اضطراب می آورد چرا گاهی در اوج خدا خواهی نفس از مضطرب شدن نمی ترسد و عواقبش را در نظر نمی گیرد و به حرکت نزدیک می شود؟ اگر قبر همان برزخ است و گاهی نار نار جسمانی است و گاهی نار نار روحانی و دور بودن از مطلق کمال پس چرا آتش گرفتن را متذکر نمی شویم؟ ۵. اگر امیرالمومنین می گوید فرزندانم از گذشتگان عبرت بگیر پس چگونه با دیگر آدمیان باید همراه شد و آسیب ندید در عین حال که می دانیم باید برای با خود بودن برنامه داشت آیا نباید سر به کویر لوت گذاشت؟ ۶. به طور کلی پدرم چگونه باید زیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در چنین تاریخی که شیطان با همه‌ی مظاهر خود به صحنه آمده، باید شریعت و طریقت و حقیقت با همه‌ی ابعادش به صحنه آید تا انسان‌ها مزه‌ی دینداری را با همه‌ی ابعاد خود بچشند ۲ و ۳- بحث‌هایی که در شرح کتاب «رسالة الولاية» و سپس ۶ جلسه‌ای که تحت عنوان (برکات نظر در نسبت بین «وجود نفس» با «صرف الوجود») خوب است که مد نظر باشد ۴- نفس ناطقه‌ی انسان به اندازه‌ای که بقاء و ثبات حق را احساس کند از فروافتادن در حرکات دنیایی پرهیز می‌کند. در مورد بحث برزخ و نار خوب است که به جزوه‌ی «نحوه‌ی بدن اخروی» که در قسمت جزوات سایت هست، رجوع فرمایید. ۵ □ خیر! باید دست در «کار» و دل با «یار» داشت و این با خودآگاهی نسبت به دنیا پدید می‌آید و نه سر به کویر لوت گذاشتن!! ۶- آن طور که مولایمان به

فرزندشان در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه فرموده‌اند چگونه زیستن را می‌توان آموخت. موفق باشید